

قیام ایران

هادی بهزاد

درد شناسنامه ایرانی

بجای اوها م خشک و خالص و مثلاً " جستجوی بیگانه های شب روو سرا را آ میز که گویا میان نجف و " بیت خمینی " و کاخ سفید و خانه شماره ده داونینگ استریت و الیزه بیای در رفت و آمد نبوده اند و به جای توسل به شیوه های مرسوم و " محافل سیاسی " بعضی ما ایرانی ها که به چشم برهم زدن تا قلب با بیگانه های را که جاری سیاه " این تالیفات سرویس " را می کاوند و راه را رگور با نظرفه العینی زیورومی کنند و سنا در موقوفه سرا رو مدارهای بنهانی را بی آنکه کلمه ای جا مانده باشد تا آخرین سطر بیرون میکشند و به تفسیر و تعبیری می نشینند و خلاصه به جای اشکاء به شیوه " مفسران از همه جا با خبر " و آنجانی ما که به نیروی خیال معنوی را لاینحل باقی نمی گذارند ... با روش مرسوم خود به تحقیق از محسوسات آغاز می کنند و غالباً " به نتایج برابری هم می رسد .

برای این بیگانه های واقع بین ، قطعاً " سکوت و زندگی همین ما دو مسلمان - تبعیدی و آوارها زمین محسوسات و معلومات را هکشا است . در کنار این " معلول " ، مجهول خود را پیدا می کند و نیازی نمی بیند تا به تحقیق در حوادثی وارد شود که ظرف قریب سی سال ، آخوند بی نام و نشان ولی در نهایت یکدندگی و خودپرستی و غرض ورزی را از میان انبوه عمامه داران فیضیه برکشید و بر تخت ولایت و خلافت چهل میلیون مرد می نشاند که توده های بزرگی از آن ها ، با حال و هوای دنیای امروز آشنا بودند و چه بسیارشان بر " کمالات خود " تا زبر فلک و عشو بر ستاره می فروختند و خاصه دولتمردان نشان دستیابی به تمدنی که حساب غرب را برای همیشه کور خواهد کرد ، مزه در پی می آوردند .

بقیه در صفحه ۲

جانشین پادروها

از آن ها که حضور داشته اند ، تعداد درخور توجهی برتر آن می دیده اند که به جای یک نفر ، شورا می مرکب از چند نفر ، عهده دارا نشینی خمینی گردد .

مشکینی رئیس مجلس خبرگان ، وها شمس رفسنجانی نایب رئیس مجلس خبرگان مهرسکوت بردهان نهاده هیچ گفتند ، خمینی هم که می بایست حکمجا نشینی را امضا می کرد ، اصلاً " به روی خود نیارود . مدت ها گذشت تا سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی در مشهد اعلام کرد که انتخاب آیت الله منتظری به جان نشینی

بقیه در صفحه ۳

خشونت

در جهان بینی خمینی

در صفحه ۷

بیگانه ای علاقمند به مسائل ایران (که مثال او اندک نیست) خامه آن کس که می خواهد با مغز بی خلل و روحیه ای مادی و بی طرف ، بداند که برآستی چه شد این آوارم صیبت بر سر ما ملت فروریخت ، طبعاً

فقیه عالیقدر حسینعلی مکنان

در راه ابودر زمان

گفته اند " الملک عقیم " ، ملک ، عقیم است و شریک نمی پذیرد . این ضرب المثل هر جا که حکومت استبدادی ، به رشکلی از اشکال ، برقرار با شد بعنوان یک اصل ثابت و یک قانون لایتنیر خودنما می کند . هیچ نیاید تصور کرد که استبداد شرقی با استبداد غربی و استبداد قرون وسطی با استبداد قرن بیستمی با هم فرق می کند . استبداد ، استبداد است . استبداد یعنی تمرکز مجموعه قدرت در وجود یک تن . یعنی نشستن یک انسان بر مسند خدا می . هر وقت و هر جا که چنین کسی پیدا شود بر چنین مسندی نشست آنجا دیگر جای فکر کردن و جای حرف زدن ، جای عقیده داشتن ، جای کسی بودن و کسی شدن نیست ، آنجا باید " هیچکس آقا " بود یا هر بلاومررتی را انتظار کشید .

بقیه در صفحه ۱۲

اگر دمکراسی داشتیم ...

ستاره های سردوشی خود در آینه ، در روزهای امن و آرام غرق در غرور می شدند ، در شب های ظلمانی بحران ستاره های برنخاست ، با دداشت های ژنرال ها بزرگ آمریکا تا زهترین گواهی است که در این باره به دست ما رسیده است .

ها بزرگ صراحتی سربازی شرح می دهد که شاه هنگامی که تاج و تاج انقلاب آغا ز شد ، چگونه او داد ، و سپس ژنرال ها پیش چگونه او دادند و حتی یکی از فرماندهان آن ارتش چگونه خواست از آن " تاج و زنا گزیر " لذت ببرد !

انقلاب در آغا ز زبیر سر زه ای نبود ، گریه ای بود که با گام های محتاط به طعمه بزرگ خود نزدیک شد ، اما پس از آن که دو سه بنجول به چهره او کشید و دید خطری در میان نیست ، دلبر گردید و شاخ و شانه کشید .

بقیه در صفحه ۲

ایران آینده رانمی توان دوباره ساخت ، بی آن که از سرگذشت انقلاب اسلامی و رژیم که با این انقلاب سرنگون شد ، درسی ها گرفت . انتشار هر کتابی تا زه در این باب ، نه تنها روشنائی تا زه ای بر زاویه های هنوز تاریک می آفکند ، فرصتی نیز هست برای تا ملی در گذشته و حال ، چنین که هست ، نخواهد با تیدا و گرا ایرانی با بد برقرار بماند ، نباید هم بیا یسد . و آینده را چنان با بد ساخت که بنا ها به توفان های سهمگین نیز نزل زد و فرو بیزد . نسل کنونی بر گذرگان می خطیر در تاسا ریخ ایران ایستاده است .

برای نسل است که از گذشته و حال بیاموزد و خود را برای آینده بسازد . نسلی که در گذشته آره امور مهم ترا در دست داشت ، بحران بزرگ را بر نبتا بید و با نخستین نهب چنان جا زد که نهب زینده نیز در سگفتی شد . از میان آنان که با دیدن

صدای محکومیت رژیم از درون

خود آن برمی خیزد . برای ناظران صحنه سیاسی در جمهوری اسلامی فضل الله ملواتی نام نا شناخته ای نیست . ستایش های که وی از انقلاب و حکومت اسلامی گفته است ، تفاوتی با آنچه دیگر ستایندگان گفته اند ، ندارد . در عوض ، انتقادهای او بسیار شنیدنی تر است و در باره ما هیت رژیم و آینده آن خبرهای جالبی می دهد .

وی در نامه ای خطاب به آیت الله منتظری ، که در روزنامه کیهان (مورخ ۱۳ مهر) چاپ شده است ، چنین آغاز سخن می کند : " نامه ای را به ... فقیهی عالی مقام که همه چشم ها به او نیز دوخته شده ، ارسال می دارد ، نامه ای که سوز درون است و اشک چشم و خون دل ... "

بقیه در صفحه ۴

سقوط هواپیما

را دیودولتی تهران اعلام کرد روز یکشنبه ۳ نوامبر ۹۸ سرنشین یک هوا پیمای نظامی سی - ۱۳۰ ، متشکل از ۹۱ سرباز و ۷ خدمه ، بر اثر سقوط هواپیما در نزدیکی زاهدان ، کشته شدند . طبق همین گزارش ، این هوا پیمای بر اثر نقص فنی سقوط کرد و سربازان ، متعلق به لشکر ۸۸ زرهی بودند .

سقوط این هوا پیمای نظامی سی - ۱۳۰ ، که از کرمان نشانه به زاهدان پرواز می کرد ، در ساعت ۱۹/۲۵ دقیقه به وقت محلی در ۱۵ کیلومتری فرودگاه زاهدان اتفاق افتاد .

رژیم تهران را اگر مخالفان محکوم کنند ، شگفتی ندارد . اما شگفتی این است که صدای محکومیت رژیم از درون

بن بست توافقی

تلاش فرانسه را برای دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی ، تلاشی برای شکافتن یک بن بست خوانده اند . اما تلاش هر چه بیشتر می شود ، بن بست نه تنها شکاف نمی برد ، بلکه نفوذنا پذیر تر هم می گردد . یک علت اصلی آن است که دولت نمی تواند همه نیروهای خود را برای به اجرا درآوردن توافق ها بسیج کند .

در فرانسه نه تنها میران رئیس جمهوری خواهان آن است که در برابر دولت های حامی تروریسم بین المللی ، از جمله جمهوری اسلامی ، ایستادگی شود ، بلکه ژسکا رداستن ، شریک دولت ژاک شیراک نیز بر کوشش های دولت شیراک مهرتایید نمی گذارد . در افکار عمومی فرانسه ، بن بست نظر خواهی ها می که شده است ، موضع میران و ژسکا را از حمایت بیشتری برخوردار است تا موضع شیراک .

در سوی جمهوری اسلامی شگاف و تشنگی از این هم بیشتر است . می دانیم که در ماه ژوئن گذشته موافقت نامه ای در باره مسئله ارودیف میان نمایندگان دو کشور به پاراف رسیده بود ، ولی در واپسین لحظه ، تهران از امضاء موافقت نامه خودداری کرد . زیرا در حالی که یک جناح خواهان آن بود که ما چرا چه زود تر فیصله یابد ، جناح پایا جناح های دیگری گفتند که فرانسه به هر حال " شیطان کوچکی " است از اردوگاه " استکبار جهانی " که به عسراق سلطه می دهد ، و در نتیجه جمهوری اسلامی نباید آن موافقت نامه ای امضا کند .

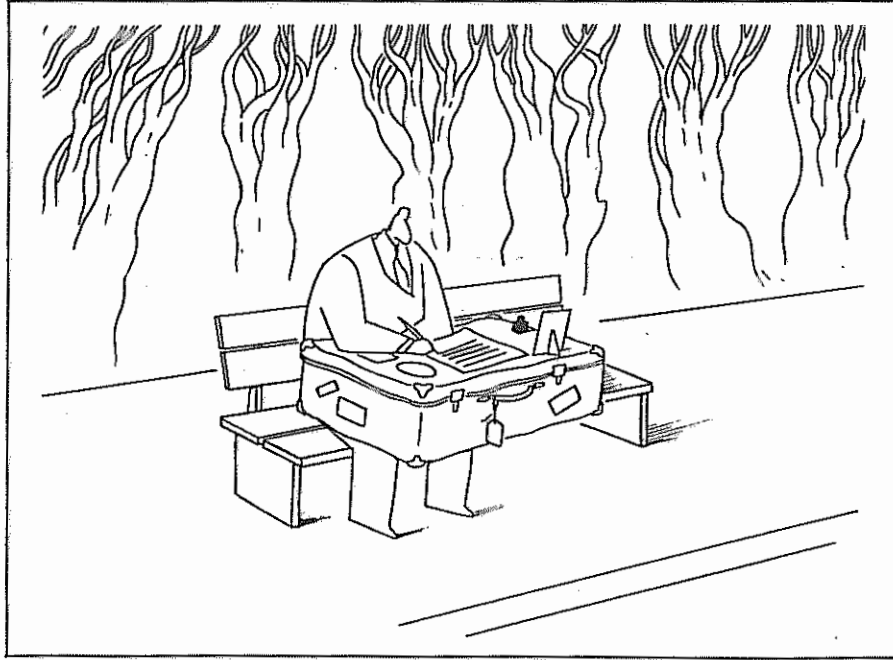
بقیه در صفحه ۱۱

سپهر مرغ ، عقبا ، سی مرغ

در صفحه ۶

درد شناسنامه ایرانی

بقیه از صفحه ۱



بست های نا پیدای آقای کارتر یا آقای کالاهان (و بازی های آقای آقای زیسکا رستن) در آن ایام طوفانی که برای ایران می گذشت و بی هیچ تقلاتی برای غوطه خوردن در اینگونه غزبهات و وهمیات ، پاسخ سوال خود را در طی همین نظاره ها می جوید که چه شد آن گمنامی ، قاپیک ملت را زدید و مرکب را هوار و ولایت و خلافت و قافلت و اما مت و قیومت " این ملت را بزیار با کشید؟ و از چیست هنوز که هنوز است ، دما را مردم بی پناه بیرون می کشد و قصه طغوت را دنبال می کند؟

بیگانه ای حقیقت طلب که در همین گذر و نظیر شتاب ، به بسیاری از راه دست یافته است ، دیگر احتیاجی نمی بیند که به عمق ماجرا ها نقیبی بزند تا بفهمد که چه رفت و چه آمد؟ و چگونه حالانوست به بیگمائی " اولیا اله " و امثال احمد خمینی و حجت الاسلام رفسنجانی و ایمن گله گله پیش نما زوشقه الاسلام و آیت الله و فقیه عالی قدر و آیت الله رسیده است ، بخصوص که بر همان صفحه تلویزیون که برنا می تغریبی وقت کش (ریچر آنس) فیض = ثروتمندان و نامداران (را مشاهده کرده است - گنگاه با چه سره " اما خمینی " نیز روبروی شود که در اتاق بی زبوری ، زیر شکیلاهی ، روی مخده ای چمباتمه زده و استکان چای را هم میزند و با تسبیح ورمی رود (در کمال شیادی اما در غایت رنمودی و ساده نمائی) .

و اینست تصویر زندگی ما ایرانی ها و حکایت " شناسنامه ایرانی " و فراق وطن و درد غربت در چشم بیگانه های که می خواهد بداند چه پیش آمد که برای ایران دردمند ، این فاجعه مستولی شد .

و خدا می داند که آن افسر شرافتمندی نوا و آن بیبر مرد زندگی باخته آن جوان جوانی برپا داده - و هر یک از این صدها هزار پریشان و بی خانمان - کسی و چگونه می توانند این بیگانه های کالی کند :

" اگر شناسنامه ایرانی را طالع لیبی و سوز هستی یاخته ای ؟ راه دور مرو - در جیب قبای هفت و صله ای من آن را خواهی جست !

اگر قصه آن داری تا بدانی در این وانفسا چوب جنایت بر مزخرفه فرو داده ؟ مگر به بین که به کد مانی مکافات می بینم .

دردمان امروز ، این نیست که چه چرا ماء موران مارت جهات در فرودگاه هیئترو و شارل دوگل و ناسنال و اشنگتن و لس آنجلس پیش از پیش پرس و جومی کنند و چون گذشته چشم بسته بر گردن ما ممر یکسال اقامت نمی گویند ... که مرا در آن روزگار رطلائی نیز با این اسامی آشنا نمی نبود .

درد من از آنجا است که چرا " شناسنامه " ما ایرانی ها ، همه یک رنگ و یک قواره است ؟

که چرا همه ما تبعیدی ها را " ایرانی " می خوانند ، آیا بیگانه در این سیر و سیاحت ، هیچ شباهتی میان ما جسته ای ؟

کنج خیالشان هم نمی گذرد ، " هموطنی " در همسایگی بهمان شب محتاج است ؟ و هزاران چون او در ترکیه و پاکستان و هند و بویلی و دوایی از دردی خانمانی و فقر سیاه و فردای نا پیدا و وحشت تحویل به قما با ن خمینی ، به مرگدان متحرکی تبدیل شده که راه دور مرو است - را گم کرده اند ؟

بیگانه ای جستجوگر - بیادش می آید غربت زدگان و بیتنامی و کما مجوی و کراهی و چینی را که وقتی به ترک خانه و زندگی مجبور شدند ، اگر بیکی بتوتی همسراه داشت ، دیگری از هموطنان نا ناخته را به مشا رکت دعوت می کرد - از خاطرش می گذرد حال آن افغانی بی سامان را که وقتی به حساب اتفاق دستش به جاشی بند می شود کسب حقیری به راه می اندازد ، اول بار در نامه می همسری را بکار می گمارد - در حافظه اش آن حکایت مشهور زنده می شود که چگونه وزیر اسرا نیلی را از پشت میز وزارت به پشت میز اتها م کشانند ، چرا که بهنگام سفارت دروا اشنگتن هزار دلار (و فقط هزار دلار) در حساب پس انداز خود حفظ کرده است ؟ و با این خاطرات زنده است که بی هیچ تلاشی برای دستیابی به پرونده های قطور (گوادلوب) و (بندو

-- و آن سودر تظا هرات " ملی و میهنی " گروهی از " تبعیدیان " شرکت می کنند تا " صدای اعتراض ملتی را به بیداد و جنایت و خباثت رژیم بشنود و ... " نا گهان خود را در یک نما می شد و بازار عرضه گران بها ترین " پوست ها " و جواهرات خیره کننده می یابد ...

البته این بیگانه ای حقیقت جو ، مخصوصا " اگر امریکائی هم باشد با معنای شروت و شروتمند - داشتن و نداشتن بیگانه نیست و زهر گونه عقده ای حسادت و احساس خرد کنده ای تمییز و " عدم مساوات " خالی است ، او حتی ما نند میلیون ها هموطن خود ، شب ها سریال پر بیننده شده " شروتمندان و نامداران " را با علاقه و لذت تمام دنبال کرده است . با روز و روزگار آدم ها می که با اینکا روتلاش و استعداد به غول های دنیای اقتصاد تبدیل شده اند و بر قارون افسانه های پهلومی زنده شده است - در همان سرنا مه هربا را زگو شه و کنای زندگی یکی از " شروتمندان و نامداران " کشورش ، از حال و حال صاحبان کمیانی ها و بانک های عظیم و هنر پیشگان و معماران و گلکسیون های اتوموبیل و کاخ های برجلال و کشتی های تغریبی و جت های اختصاصی و لوکس آن ها آنگاه شده ولی هرگز در خود احساسی از حسادت و بغض و اندوه نیافته و به عکس با این برنا مه کلی حال کرده است .

بیگانه ای جستجوگر که بهنگاه می و گذری قانع است ، چه بسا بنا بر مقیاسات جامعه خود ، تصویری کند این نمایندگان " ثروت و شهرت " ایرانی نیز که حالنا چا رسیده زندگی در " غربت " سپرده اند ، در روزگار " کمال گمانی " و در سرزمین مادری به تمام تمهیدات مالی خود عمل کرده اند و لابد در کنار " موه سات خود دهها دانگنه و وسایلی تحقیقاتی و مطالعاتی و خیریه را چرخانده اند .

اومی توانند همین نگاه سطحی خیال کنند که در ایران نیز اگر راه و مدرسه و بیمارستان و ویل و تونل و پارک و نوا نخت های ساخته شده ، از منبع دهشت و دست ما لیات پردا زهمین ما لداران ماهیه گرفته است . ولی نا گهان خشک میزند و مبهوت می شود که این ضیاع و عبقار - این جلال و جبروت - این میلیون ها - دلاری که بر سر میزهای قما زدودمی شود - این مجالس ضیافت و نمایش و این بالما سکه های میلیون دلاری این انبوه اوراق سهام و حساب های کلان بانکی و این کاخ های فرعونی ، ته ما ندی کدما م ثروتی است و چرا سرا زینگه دنیا در آورده است ؟ و انگهی حیرت می کند ، چطور است که این " غربت زدگان " و " وطن کم کردگان " و " داسوخگان " ما میهن " که مستعد تر از زهر نرپیشه ای حاذقی به شنیدن کلمه " وطن " و حتی به یک ترانه ای جگرسا و به قول خود میهنی بهیمنای صورت اشک می بارند هیچ از

قانون صریح وجود ندارد

قرض الحسنه صورت می گیرد ، کنار زد و گفت : تولید یک کارخانه نماند " نسخ البرز " را انحصارا " در اختیار صندوق قرض الحسنه " جا وید قرار داده اند . وی افزود : آقای بی گفت که این ها آدم های خیری هستند و به مردم قرض الحسنه می دهند ، لذا ما این کارخانه را به نام آن ها کردیم . نماینده تبریز گفت که تاکنون چه مقدار از اموال عمومی در اختیار گروه های وابسته به حکومت گذاشته شده ، اما شواهد نشان می دهد که گروه های خیرخواه بسته به ولایت فقیه به عنوان کارهای عام المنفعه ، تا بحال میلیاردها سوء استفاده کرده اند . صندوق های قرض الحسنه که تعداد آن ها از بانک های جمهوری اسلامی بیشتر است در این زمینه تنها یک نمونه به شمار می رود .

نماینده آبادان در مجلس شورای اسلامی اعتراف کرد که پس از گذشت نزدیک به ۸ سال از انقلاب اسلامی ، دولت اسلامی ، فاقد قانون صریح است و مسئولان آن در اجرای قوانین مبهم موجود سردرگمند . وی گفت : تا آنکه همه مسائل در مجلس گفته نشده است ، اما گوش شنوایی برای شنیدن آنها وجود ندارد .

بنابراین با اظهار محمدرشدیان نماینده آبادان ، وزیر کشاورزی آشکارا سیستم دوا نرخی کا لوما یحاجت مردم را صعبه گذاشته و اعلام کرده است که گوشت مرغ با قیمت دولتی کیلوئی ۲۵ تومان و بهای با زا را آزاد آن کیلوئی ۹۰ تومان است . وی همچنین گفت : مگر نمی بینید چنان مردم به لبنا ن رسیده است . روزی برنج کیلوئی ۷ تومان بود ، اکنون بهای آن به ۸۰ تا ۹۰ تومان رسیده است . مرتضی رضوی نماینده تبریز نیز در جلسه ۲۴ مهرماه مجلس شورای اسلامی فاش ساخت که سازمان اقتصاد اسلامی که پس از انقلاب به وجود آمده است ، متشکله میلیون ها تومان سود بوده که معلوم نیست این سودها ی کلان به کجا رفته است . نماینده تبریز پرده از گوشه های از چپا ول های که وسیله نهادهای نوظهور جمهوری اسلامی از قبیل صندوق های

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

صدای محکومیت رژیم از درون

بقیه از صفحه ۱

فضل الله ملواتی خواننده کنجکا و را خیلی منتظر نمی گذارد و زود فاش می کند که دلش از چه می سوزد، برجها ششک می افشانند و دلش از چه پر خون است.

ملواتی، هر چند بطور ضمنی، اعتراف می کند که انقلاب اسلامی فسر زندی ناقص الخلقه به نام حکومت اسلامی بدنیآ آورده است. می گوید: "ما آماده ایم فرزندی را که زائیده ایم بزرگش کنیم... کدام پدریا مادری را سراغ دارید که فرزندی خود را، حتی اگر معیوب و ناقص و علیل و بیمار باشد، به دست دشمن بسپارد؟"

بسیار طرح این پرسش، و پس از اشاره معمول به اینکه دولت خدمتگزار البته زحمت بسیار کشیده است، می پرسد: "برنامه پنجساله دولت به چه سرنوشتی دچار شد؟" سپس خودش پاسخ می دهد: "این (یعنی برنامه پنجساله) برنامه های یک ساله همان گذشته های دور است یا شغیر بعضی الفاظ...". وی روشن نمی کند که منظور از گذشته های دور "کدام دوره است. ولی ناگفته پیدا است که دوره پیش از انقلاب را در نظر دارد. مقصودش این است که همان برنامه های گذشته را رونویسی کرده اند و فقط برخی الفاظ را تغییر داده اند.

ولی برای چنین برنامه رونویسی شده نیز سیاست اجرایی معینی وجود ندارد، به عکس به تعداد مفسران و گویندگان و نویسندگان، سیاست اجرایی وجود دارد. نه تنها برنامه های عمرانی مدون گذشته را به دلخواه تفسیر می کنند، بلکه تعبیرهای آنان از اسلام و قرآن نیز مختلف و حتی متفاد است. نویسنده نامه به آقای منتظری در این باب چنین می گوید: "امروز که هشت سال از پیروزی انقلاب می گذرد، نه مجلس و نه دولت هیچ کدام نظرقاطعی نتوانسته اند بدهند... هر آقایی، بزرگواری، نسور چشمی، اقتصاددانی، مجتهدی، امام جمعه ای، وزیری، وکیل یا دادستانی نظری خاص خود دارد و اشکال اینجاست که همه نظریات مختلف خود را به نام اسلام بیان می کنند." سپس می پرسد: کدام اسلامی؟ و می افزاید: یک مسلمان، یک شیعه، امروز نمی دانند که تکلیفش چیست."

فضل الله ملواتی، بی آنکه خود بتواند راه طی ارا نه دهد، فقط حدس گردانی جامعه امروز ایران را بیان می کند: این سرگردانی چنان است که داد منگبیر مسئولان خود رژیم نیز شده است. از زبان خود او بشنویم که می گوید: "وای از بازار آشفته: یکی می گوید زمین هـا را بگیرد و آن دیگری می گوید حرام است و غضب، پس بدهید. یکی کارخانه را معارضه می کند، دیگری (آن را) به ما حبش پس می دهد. یکی تجارت خارجی را دولتی می خواهد و دیگری برای بخش

خصوصی چانه می زند... معیارها در هر شهری و دادگانه های به نوعی است..."

آقای ملواتی، انگار که ستایش خود را از دولت خدمتگزار فراموش کرده باشد، پیاپی مدعی سیاسی و اجتماعی این آشفتگی و پربیشانی اوضاع را چنین شرح می دهد: "به مرور زمان اعتمادها کم می شود، سرمایه ها و مغزها فراموشی می کنند، بورس بازاری و بازار سیاه رونق پیدا می کند..."

ملواتی، البته با احتیاط، به ردا عاقلی کسی کمتر از بالاترین مقام جمهوری اسلامی، یعنی آیت الله خمینی نمی رود که از دولت میر حسین موسوی حمایت بی چون و چرا کرده و جنگ را در راه "سهمه" مسائل قرار داده است. وی در باره "کارنامه دولت می گوید: "ممکن است گفته شود که رشد است، درست! اما جامعه که چیزی نمی بیند: در عمل مردم جز تشنگی چیزی نمی بینند... سپس در باره "جنگ، موضوع دلخواه خمینی، می نویسد: "درست است که جنگ در راه سهم امور است... ولی این دلیل نمی شود که به دیگر مسائل پرداخته نشود." و آنگاه مثال جالبی می آورد و آن اینکه: اگر به فرض گرگی به مظلومی حمله کرده، نباید به بیگانه دفع آن حمله، آب و نشان و دوار از آن مظلوم برید.

روزی آیت الله خمینی در سخنرانی ای گفت که اقتصاد دیر برای انسان مانع پیونجه برای الاغ است. مدت ها پس از آن، کسی از دورویی های آیت الله جرات نمی کرد در باره ضرورت برنامه ریزی اقتصادی حرفی بزند. اما امروز که در رژیم تهران بسیاری گمان بانگ برداشته اند که با دیدن برای اقتصاد برنامه های ریخت، آیت الله موشی است. شاید جمله به همین دلیل، فضل الله ملواتی زبان شکایت از نبودن برنامه اقتصاد را خطاب به منتظری گشوده است. و نه به خمینی. آقای ملواتی اگر چه می گوید: "امام است در کتاب تحریر لوسیله بسیاری از مسائل اقتصادی را مطرح کرده و پاسخ داده اند" و لایمی خواستار آن است که هیئت مرکب از مراجع تقلید، اعضای شورای نگهبان، کارشناسان اقتصادی و حتی ماحینظران خارجی بنشینند و برنامه های بریزند و کشور را ز سرگردانی و بلاتکلیفی کنونی برهاند.

مانند نیم آقای خمینی در کتاب "تحریر لوسیله" به کدام میک از مسائل مهم اقتصادی پاسخ داده است، ولی از پرسش های بدون پاسخی که آقای ملواتی مطرح کرده، پیداست که اطلاعات رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی از اصول اقتصاد در همان حدی است که ما می توانیم از فیزیک هسته ای دانسته باشیم. یعنی چیزی نزدیک به صفر. دامنه پرسش های ملواتی به گستردگی

همه مسائل مالی و اقتصادی است. می پرسد: "مالیات، بیمه، بازرگانی، سرمایه گذاری، وام و اعتبار، مالکیت، سود و بهره و امثال این ها در اسلام چگونه باید باشد". به طوری که نه سیخ بسوزد و نه کباب، نه شریعت اسلام لطمه ای ببیند و نه چرخ های اقتصاد کشور در گسل فروماند؟

حال آنکه هم شریعت اسلام لطمه ندیده است و هم چرخ های اقتصاد کشور در گسل فرومانده است.

ملواتی به آستانه این حقیقت نزدیک می شود که حکام اقتصاد اسلام، در جهان امروز را تر آستان است که به مسائل گوناگون پاسخی شایسته بگوید. از جمله می پرسد چرا دهی شرکت مسافربری، تا کسی تلفنی و غیره نکات ندارد، اما ما چند شتر، نصاب دار و دیوانه یزدک ساتش پرداخته شود؟

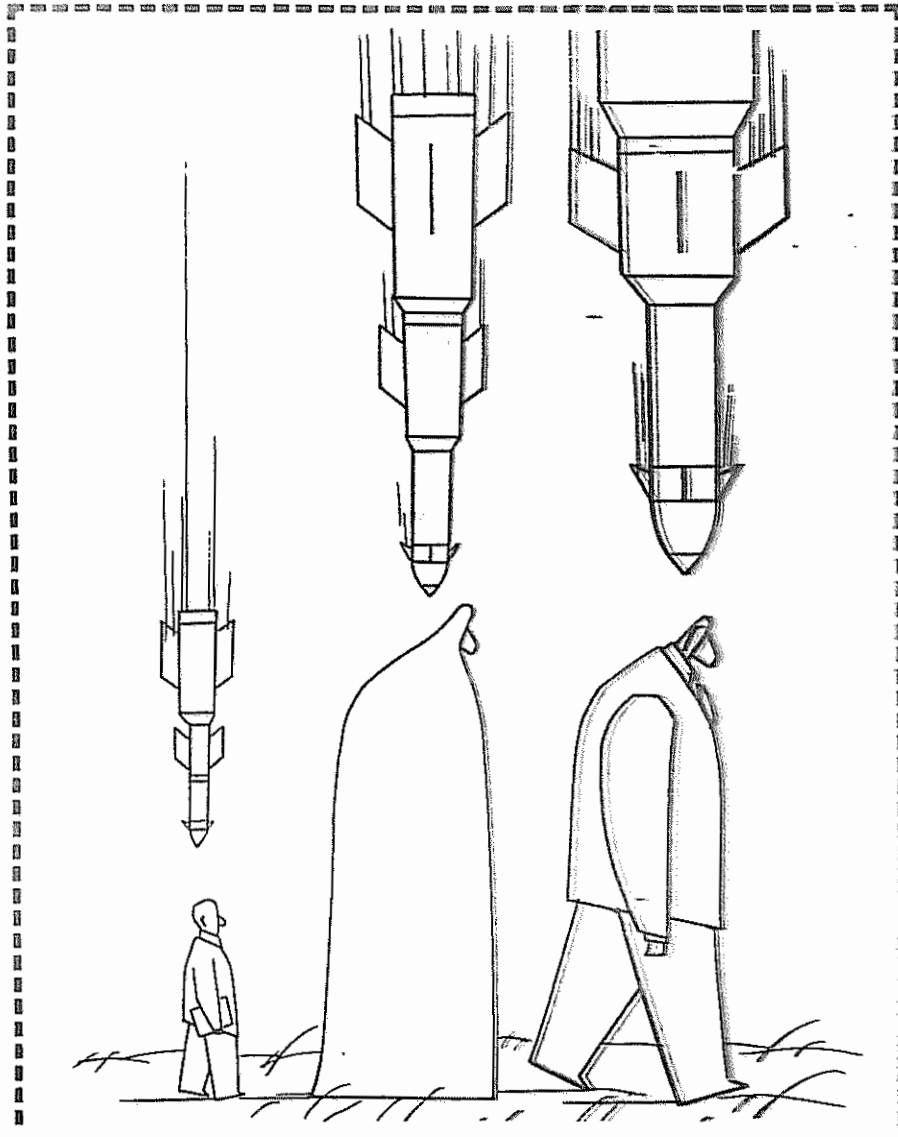
این اعتراف صحتی است به اینکه اقتصاد عصران اقتصاد عصری که شتر یگانه وسیله رقت و آسودگی بیرون، فرق دارد. اعتراف صحتی به این است که بر حوزه علمیه قم نیست که مسائل پیچیده اقتصادی را بافتوا های مربوط به روزگار بیا ریته سنگی بخواند حل کند. ولی جالب تر و مهم تر از این اعتراف صحتی، اعتراف های صریح فضل الله ملواتی است.

می پرسد: "کارخانه های دولتی، زیر پوشش صنایع ملی، زیر پوشش بنیاد مستضعفان را چگونه اداره کردند؟" و سپس خود جوابی چنان قانع کننده می دهد که جای حرفی نمی گذارد: "بزرگانی و تورما فروختند. و طالع اکثرا در معرق بدهکاری و بیگاری و ورشکستگی قرار دارند، می خواهند فروشنده را به ما حیا نشان یا زگردها خند."

آقای ملواتی می دانند که مردم بسیاری این دولت ملوات هم نمی فرستند. زیرا وقتی دولتی خود قان خون خویش را قبول نداشته باشد، وقتی حتی داستان یک رژیم از وجود قانین در کشور شکایت داشته باشد، همه چیز با در هواست. به همین سبب می پرسد: "ما حبا کارخانه ها کدام اعتماد و اعتبار قبول کنند و با پشتوانه کدام قانین... اداره کارخانه را در دست گیرد؟"

و در این رهگذر دولت به اصطلاح اسلامی و برخورد را زحمت کار مل خمینی چه تدبیرها می بکار بسته است؟ آقای ملواتی چنین پاسخی می دهد: "موسسه های دولتی هر روز نرخ های خود را با لامی برند: بهای بنزین، بهای گاز و شیل، برق، آب، تلفن، تلگراف، گاز و مالیات های مصرف (که ظاهرا منظورش مالیات های غیر مستقیم است). صندوق پستی که اجاره اش در سال ۴۰ تومان بوده، دو بیست تومان نش می کنند و مالیات های تصاعدی بدون ضابطه های شرعی و... آیا حساب می کنند که با این گران کردنها چقدر بر میزان گرانی و تورم می افزایند؟ آیا بر حقوق کارگران و رمنده همین نسبت افزوده شده است؟" پاسخ پیدا است که منفی است.

در رژیم اسلامی حاکم بر ایران، فقیر شدن اکثریت بزرگ، یک روی سکه ای است که روی دیگرش شروتمند شدن اقلیتی کوچک است. از کدام راه؟ ملواتی یک راهش را می گوید. این پرسش را مطرح می کند: "آیا دلایلی یا کمیونی که فروشنده به ما مور خرید عناایت می کند و پس از انقلاب خیلی ها از این راه به نواشی رسیدند، مال ما مور است یا مال بیت المال؟ اگر ملک ما مور است، من معلم چه کنایه کرده ام که نمی توانم برای چند میلیارد دلار خرید به خارج بروم و ده دوازده ناصاحب شوم؟"



بیتنا زندگی و کالا دیده می شود. اما فریب این وضع ظاهرا "عادی را نپاید خورد... قدرت خرید مردم، سخت یابین است... برطول صف های خرید مواد غذایی مردم افزوده می شود. کالای چون پنیر...

صلیب سرخ، جمهوری اسلامی را محکوم کرد

آلکساندر هه رئیس صلیب سرخ بین المللی روز ۲۷ اکتبر، ادعا نا صدی تندی علیه دولت های درگیر در جنگ در سراسر دنیا، که از جمله آن ها هزاران اسیر جنگی را به خطر انداخته اند، انتقاد کرد.

وی طی گزارشی از فعالیت های پنجساله اخیر، در بیست و پنجمین کنفرانس بین المللی صلیب سرخ، گفت: غلبه اوقات اسیران جنگی با نقض کامل حقوق انسانی شان، تبدیل به گروگان شده اند... در حالی که همدی کشورها می توانند...

زکی یمانی برکنار شد

ملک فهد با دشا عربستان سعودی هفته گذشته طی فرمانی شیخ احمد زکی یمانی وزیر نفت و معادن عربستان سعودی را از سمت خود برکنار رواهاشم ناظر وزیر برنا مهریزی را جایگزین وی کرد.

جریمه نگاه

هفته نامه نوول اسپرو تور، چاپ پاريس خبر جریمه شدن زنان ایرانی را در صورت رعایت نکردن حجاب اسلامی چاپ کرده است... نوول اسپرو توری می نویسد: از این پس در جمهوری اسلامی زنان چنانچه حجاب اسلامی را رعایت نکنند محکوم به پرداخت جریمه نقدی می شوند.

هنوز زندگی و کالا دیده می شود. اما فریب این وضع ظاهرا "عادی را نپاید خورد... قدرت خرید مردم، سخت یابین است... برطول صف های خرید مواد غذایی مردم افزوده می شود...

ساعتی تا یمن، می نویسد: ملایان فکر می کنند که مخالفان شان که بی رحمانه سرکوب شده اند دیگر خطراتی ای شمار نمی آیند... خیمینی اکنون ۸۶ ساله است و در خانه ای در حومه شمالی تهران که بشدت محافظت می شود، بسر می برد.

شوروی شیطان نیست

سیدعلی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی اعلام کرد: "ما تا بحال هیچگاه به شوروی لقب "شیطان" نداده ایم و این لقب فقط اختصا به آمریکا یا "شیطان بزرگ" داره."

خامنه ای که در مصاحبه ای با هفته نامه "اشپگل" چاپ آلمان غربی سخن می گفت، اظهار داشت: که جمهوری اسلامی و اتحاد جماهیر شوروی در حال حاضر روابط خوب و بدون مناقشه ای دارند.

خامنه ای بدون اشاره به اختلافات گذشته جمهوری اسلامی و شوروی بر سر افغانستان و قطع صدور گاز زبه شوروی گفت: "هیچ دلیلی وجود ندارد که با همسایه ای که تا بحال هیچگونه مناقشه ای با او نداشته ایم، روابط بدی داشته باشیم."

مصاحبه خامنه ای زمانی انجام گرفت که هیئت شوروی برای امضاء قرارداد فروش گاز ایران به شوروی در تهران بسر می برد.

سیدعلی خامنه ای گزارش های را مبنی بر این که حزب توده همچنان از شوروی کمک دریافت می کند، رد کرد و گفت: "شوروی زمانی به حزب توده کمک می کرد، اما اکنون به ما گفته است که دیگر با حزب توده رابطه ای ندارد."

خامنه ای در مصاحبه با اشپگل افزود: ما هیچ چشم اندازی به یک وجب از خاک عراق نداریم و به کشورهای حوزه خلیج فارس هم حمله نخواهیم کرد... در مقابل ما جبهه بندی نکنند... خامنه ای در بخش دیگری از این مصاحبه اعمالی را که گروه های تروریستی اسلامی انجام می دهند عملیاتی قهرمانانه توصیف کرد که برای از بین بردن مراکز تروریسم انجام میشود.



نقش جمهوری اسلامی در تروریسم

در پوشش رئیس مرکز خبری رژیم اسلامی رهبری گروه های تروریستی را بعهوده دارد. سفارت جمهوری اسلامی در بن نیز یکی از کانال های دریافت اسلحه و مواد منفجره شناخته شده است... در گذشته ای نزدیک نیز، سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان آیت الله خسرو شاه یکی از اینگونه رهبران گروه های تروریستی به شمار می رفت...

در تهران چه می گذرد؟

هفته نامه ساندی تایمز در شماره ۲۶ اکتبر در مقاله ای زیر عنوان: در تهران چه می گذرد، توصیفی از اوضاع ایران بدست داده است... در روز پنجشنبه کثرتی از مسافران که در راه بازگشت به ایران بودند، در تهران از یک سوخت خرابی مواجه شدند...

روزنامه اسپانیایی "یا درگزارشی که در باره اوضاع جمهوری اسلامی و نقش این رژیم در عملیات تروریستی منتشر کرده، می نویسد: در چند سال اخیر دهها تروریست انتحاری که در جمهوری اسلامی آموزش دیده اند، از سوی حکومت اسلامی به اروپا و آمریکا اعزام شده اند... این روزنامه می افزاید: در حال حاضر بیش از چهار صد تروریست در تمام اروپا، دستمزد عملیات خود را از بودجه کلانی که جمهوری اسلامی به پیشبرد عملیات تروریستی بیرون مرزی اختصاص داده است، دریافت می کنند...

از گزارشگران داخلی نهضت

رژیم در آستانه‌ی فروریختگی

علائم و نشانه‌های بسیار زبحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور به چشم می‌آید که بیدار کننده‌ی «وای چشمی تیزبین موردا رزیا بی قرا رگیسردودر زمان مناسبا از آن بهره‌گیری شود. در این زمینه می‌توانیم از شش گروه مردمی مطلع باشیم (سیاسی - اجتماعی - اقتصادی) تا تصمیم‌گیری‌های نامعقول و پراکنده و پیرایش مسئولین و سازمان‌ها تا رسیدن به بی‌تصمیمی مطلق دولت (مانند مسئله حجاب اسلامی) و از دیگر گریه‌های درونی و سازمانی عنوان‌های تشکیل دهنده رژیم فرو پاشی سازمان‌های ایدئولوژیک رژیم نام ببریم.

گروه باشم تشکیلاتی خاصی تا آنجا که ما تحقیق کردیم در تشکیل شوراهای اسلامی نقش موثری داشتند و امروز بسیاری از شوراهای مستقیمی تحت القابات و تواتیرات علنی و پنهانی گروه‌بنوی قرا ردا رند که می‌توانند در موقع خود مشکلات عظیمی برای مخالفین تشکیلات فرامی‌کنند. مذهبیبون راستگرا در طول حیات رژیم هرگز با نبشوی و همفکرانش کناریا مدندوهروقت نبوی به مجلس شورای اسلامی قدمی گذارد در سراسر او را با کلمات رکیک بهنا سزا می‌بنند و هرگاه که زمان راه‌گیری فرا می‌رسد آرای او به شکل‌خفت آوری، کمترین ارقام را تشکیل می‌دهد، از مدتی پیش با شکل‌گیری و فعالیت جبهه‌ها است و رسالت در مجلس، آن‌ها نیز متوجه شدند که بهر آنکه در پیوند آنها لکهای خود را به فعالیت زیرزمینی گشاده بلکه در تمام آنده، سازمان مجاهدین نیز نفوذ دارد و همین مسئله‌ها و سایر گریه‌های پیچیده‌ای که خاص حکومت آخوندی است موجب استعفا و حجت الاسلام راستی و انحلال سازمان را فراهم نمود و جبهه راست با ابراز خوشحالی از انحلال سازمان مذکور صاحب‌ای با آقایی راستی در روزنامه‌ها رسالت ترتیب دادند اما امکان تجدیدحیات را هم‌زاین سازمان سلب کنند، این اقدامات باعث شده که بهر آن نبوی که ظاهراً چندسال پیش از این سازمان خارج شده و با باقی مانده‌های هم‌بده‌ها در تباطی بنیاد دست خود را با تقدیم عریضه‌ای به حضور امام امت رو کند که هنوز هم متولی این سازمان است و خلاصه اینکه آقایی نبوی با نوشتن این نامه، امام را در برابر سئوالات قرار می‌دهد که با رها و رها در چندسال اخیر در اگان‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی مطرح و پاسخ‌آری به آن داده‌شده و حالاً به علت پریشانی و درمابندی رژیم و شخص خمینی، وی در پاسخ نبوی فقط استعفا و انحلال را تایید می‌کنند حاصل و علت انحلال سازمان که انحراف از اسلام فقهی و طردولایت فقیه و انواع چپ‌روی‌هاست.

آمیز بوده است. (از آن جمله انتشار خرا زسربشوری پروازهای لوفت و... تهرانی و... ما برای حمله به سفارت آلمان در تهران که ظاهراً با هدف برهم‌زدن نتیجه سفر وی انجام گرفت و نتایج آن مسکوت گذاشتن بر نامه پرواز لوفت‌هانز بود. تا آنجا که اطلاع داریم بهر آنکه در وزارتخانه حضور دارند، البته مشکل عمده وی غیر از زردگیری با نخست‌وزیر و حزب جمهوری وجبهه‌هاست، همچنانکه روزانه‌ها مدیر حزب‌اللمی صنایع وابسته است که با بمب عراقی خورده‌اند و بلاتکلیف یا ازر برای مواد اولیه می‌خواهند که نیست و با اجازه با ز خرید و تعطیل کارخانه آقایی نبوی گشته می‌دانند در آینده نزدیک آری به جنگ نمی‌آورند و تعطیل را انتخاب کرده که راهیست با پی آمده‌های پرسرو صدا تا آنجا که روزنامه جمهوری اسلامی آرگن حزب حاکم‌وری را شیدیدا به خودمحوری و تعطیل صنایع کشور متهم کردند. پس از جناب این مقاله بود که راستگرایان سنتی موفق شدند به کمک عناصری از دولت فریه محکم انحلال سازمان را بر سر بیزاد نبوی فرود آورند.

بقیه در صفحه ۱۱

اسلام در خطر

گوئی در این چهل و دو سال، بنیاد اسلام هرگز این قدر در خطر نیفتاده بود که در جمهوری اسلامی افتاده است. در هیچ زمانی، هیچ خلیفه‌ای سر نوشت تمامی اسلام را با حکومت خود چنین یکسان نمی‌انگاشت که در جمهوری اسلامی انگاشته می‌شود. گوئی که دین اسلام نه در شبه جزیره عربستان و نه در حدود چهارده قرن پیش، بلکه در ایران در سال ۱۳۵۷ زاده شد. گوئی که با انقلاب اسلامی چشم به جهان گشود و با برچیده شدن بساط حکومت اسلامی نیز از بین خواهد رفت. گوئی آنچه پیش از ۱۳۵۷ در دنیا مسلمانی وجود داشت، در واقع اسلام نبود و آنچه بعد از برچیده شدن این رژیم نیز وجود خواهد داشت، اسلام نخواهد بود.

آن‌ها می‌روند، رئیس‌جمهوری و رئیس مجلس لاسیلی درمی‌کنند و با آنسان مذاکرات دوستانه بعمل می‌آورند. برای حکومت اسلامی ظاهراً هیچ مانعی ندارد که در کشورگان بی‌حجاب، حفاظت قذافی را برعهده گیرند: ولی وای بر اسلام اگر تارمونی از دوشیزه‌ای دریکی از خیابان‌های ایران پیدا شود. در واژه‌ها هم حکومت جمهوری اسلامی، سوره که تلویزیون آن فیلم‌هایی با زنان نیمه‌عریان پخش می‌کند، یک کشور برادر اسلام است، حال آنکه عراق، که زبات برنا نه‌های تلویزیونی ندکی سخت‌گیرتر است، جزیک دشمن صهیونیستی نیست، هر چند که به حال حزب بعث در این هردو کشور قدرت را در دست دارد. تعالیم میشل عفلق، تئورسین اصلی حزب بعث، در سوره هیچ مغایرتی با اسلام پیدا نمی‌کند، ولی در عراق جز تیشبه به ریشه اسلام نمی‌زند. "آقا" در سخنرانی خود می‌گوید: در

بقیه در صفحه ۱۱

گزارش‌های ایران

آموزش و پرورش ورشکسته

بیک گزارش از عنا صرملی، وضعیت آموزش و پرورش و مدارس جمهوری اسلامی را پیش از پیش و خیم و ورشکسته توصیف می‌کند و از افزایش مخالفات در صفوف جوانان و دانش‌آموزان خبر می‌دهد. این گزارش حاکی است که از نظر سیاسی جو مدارس و موسسات آموزشی، علی‌رغم تبلیغات و تهدیدها، که از سوی عوامل رژیم به عمل می‌آید، به زیان رژیم اسلامی بیش از گذشته تغییر کرده است. جوانان و کادرهای آموزشی در صدمه‌های از مخالفات رژیم را تشکیل می‌دهند. مریبان پرورش که به منزله چشم‌گوش رژیم، به توطئه چینی و جاسوسی علیه دانش‌آموزان و دبیران مشغولند، مورد نفرت و مخالفت دانش‌آموزان قرار گرفته‌اند. آن‌ها، به قدری عمیق است که دو گروه، "عملا" در برابر صف آرائی گرفته‌اند. به همان اندازه که مریبان پرورش علیه دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند،

اکثریت معلمان از دانش‌آموزان و طرداری می‌کنند. مخالفات رژیم، همچون سایر طبقات مردم، در میان دانش‌آموزان اکثریتی بزرگ را تشکیل می‌دهند که به شکل گوناگون و با وجود جوخه‌های در مدارس، نظرات خود را ابراز می‌دارند و زیر بار برنا می‌آیند. رژیم نمی‌رود. از سوی دیگر همین جوخه‌ها، شدید، علاقه دانش‌آموزان را به ادامه تحصیل به شدت کاهش داده و اوقات تحصیلی اسف

باری پدید آمده است. مضافاً اینکه نا بسامانی برنا می‌دهی تحصیلی و محتوای عقب مانده و ارتجاعی کتابهای درسی این روند را تشدید کرده است. از این وضع معلمان نیز رنج می‌برند. آن‌ها به غیر از کتابهای رسمی آموزش و پرورش که ابداً "پاسخگوی نیازهای علمی جوانان نیست، هیچ گونه منبع و مآخذ علمی و ادبی و هنری دیگری در اختیار ندارند که به جوانان عرضه کنند. با این حال و با وجود سیستم

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

محسوب می‌کنند. سفیر اصلی سوریه که اکنون به کشورش بازگشته است، سابقه و خشم مقدس‌های جمهوری اسلامی غالباً از او سغیرا جزایر که چندان شئون اسلامی را رعایت نمی‌کردند، گله‌مندند. اما اکنون آنچه در باره واقعیه کار در سوریه به گوش می‌رسد آنست که پس از سخنان معنی دار حافظ اسد، یک گروه از اعضای کمیته که فکر می‌کرده‌اند ممکن است کار در آریا خود را حل کنند، در زمینه روابط کشورش با کشورهای عراق باشد، راه را "و غفلت" به او حمل کرده‌اند و او را با خود برده‌اند. هنگامی که مقامات سطح بالا خبر یافته‌اند، به این گروه سرگرفت زده اند که چگونه کار در سوریه، آن هم در ایران، میتواند حل سندی در زمینه روابط کشورش با عراق باشد؟ اگرچه عوامل کمیته به همین تنگ نظری و حماقت هستند که این شایعه بیان می‌کنند، اما چنین چیزهایی با زهم دربار روی این واقعه شنیده خواهد شد. گرچه نتیجه آن یکی است و آن هم باز گوینده است که در ایران امروز هنوز یک قدرت مرکزی واقعاً حاکم نیست. این مشکل چنان عمیق و اساسی است که مقامات جمهوری اسلامی بیهوش می‌شوند. "کارد" در ایران سرزمین "انقلابی و حزب الهی" پذیرند و عواقب آن را تقبل کننده، اما حقیقت را پنهان نگذاشته‌اند. به نظر می‌آید که آقای مهندس بازرگان تازه این تکلیف را دریا فته و نهضت آزادی طی تلگرافی به رئیس جمهور، در خطر بودن جان او را تذکر داده است!

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

مدرسه و دانشگاه اخراج کردند. صف به میدان جنگ و از آنجا به قبرستان‌ها گسیل داده شدند.

اکنون، وضع به گونه‌ای دیگر است. ما نمی‌توانیم، مریبانان جمهوری اسلامی می‌گویند و به تلخی اعتراف می‌کنند که: "وضعیت فکری و سیاسی جوانان با سال‌های اول انقلاب تفاوت چشم‌گیری پیدا کرده است." این تفاوت چشم‌گیر، برخلاف گذشته، مریبانان رژیم این نیست که دیگر جوانان را رغبتی به آموزش‌های عقیدتی و سیاسی ندارند، آن‌ها رغبتی به برنا می‌دهند. استخوان مغزی که به وسیله رژیم تدارک شده است ندارند. آن‌ها، جوانان همچنان به یاد می‌آورند که تا کجا به بیچاره برده شده‌اند و می‌توانند که اکنون چه بی‌دینکنند که خود را معرکه از دام و مملکت رژیم‌خدا برائی برهانند.

مریبانان جمهوری اسلامی مشکلات اقتصادی و بیکاری را عوامل روی گردانی جوانان از رژیم می‌دانند، این نیمی از واقعیت است، نیم دیگر اینست که جوانان از این رژیم آید می‌گویند.

رستگاری ندارند. جوانان بیس از هر چیز از ریاکاری و شباهی‌های رژیم که بی‌جانب و بی‌وفا است، بی‌گناهانند. روی گردانی مردم ایران و بیسایب آن‌ها جوانان از رژیم البته برای عوامل رژیم و تعیین است تا گوار، اما برای مبارزان ملی، یک تحول مثبت اجتماعی به سود بیرونی حاکمیت ملی برآید. رژیم ولایت فقیه را بیسایب می‌دهد. جوانان نسبت به رژیم بی‌بافت شده‌اند، بلکه در صدمه‌های موقع شیورمک رژیم را به صدا در آورند، آن‌ها از هم‌اکنون صبح بیروزی را انتظار می‌کشند.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

یک گزارش از عنا صرملی، وضعیت آموزش و پرورش و مدارس جمهوری اسلامی را پیش از پیش و خیم و ورشکسته توصیف می‌کند و از افزایش مخالفات در صفوف جوانان و دانش‌آموزان خبر می‌دهد. این گزارش حاکی است که از نظر سیاسی جو مدارس و موسسات آموزشی، علی‌رغم تبلیغات و تهدیدها، که از سوی عوامل رژیم به عمل می‌آید، به زیان رژیم اسلامی بیش از گذشته تغییر کرده است. جوانان و کادرهای آموزشی در صدمه‌های از مخالفات رژیم را تشکیل می‌دهند. مریبان پرورش که به منزله چشم‌گوش رژیم، به توطئه چینی و جاسوسی علیه دانش‌آموزان و دبیران مشغولند، مورد نفرت و مخالفت دانش‌آموزان قرار گرفته‌اند. آن‌ها، به قدری عمیق است که دو گروه، "عملا" در برابر صف آرائی گرفته‌اند. به همان اندازه که مریبان پرورش علیه دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند،

گزارش‌های ایران

در تهران چه کسی حکومت می‌کند؟

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

گزارش عنا صرملی از وضعیت اسفناک آموزش عالی در جمهوری اسلامی حاکی است که دانشگاه‌ها، علی‌رغم تبلیغات گوشخراش رژیم پس از انقلاب، به شکل گوناگون از رژیم منتفع می‌گردند، محسوس است و صف آرائی‌های درون جامعه در مخالفت با رژیم اسلامی بطور آشکار در مدارس و موسسات آموزشی با زتاب یافته است.

نسل جوان

و جمهوری اسلامی

برای ما را اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی جمعیت ایران از ۴۷ میلیون تن گذشته است. دستکم ۴۶ درصد از این جمعیت را جوانان زیر بیست سال تشکیل می‌دهند. نسلی که در این هشت سال در ایران بلا زده چشم گشوده و به عرصه اجتماع گام گذاشته است تا وضعیت غیرقابل باور و بیسایر و خیم رودر روست.

گوش و غلیان احساسات جوانی به میدان آمده و راه خیمی را آب رو کردند. اکنون بعضی نیرومندان و مخالفان و مبارزان صدر رژیم اسلامی مبدل شده‌اند. از همان آغاز انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی این جوانان بودند که دریافتند درباری نوم انقلاب خیمی و شرکاء با زنده اصلی آن‌ها هستند. زیرا تویخانه نظام ولایت فقیه، در مرحله نخست آن‌ها را هدف گرفت. جوانان را دستگیر کرده زندان‌ها و بیای جوبه‌های اعدام کردند. دسته دسته و گروه گروه به سیه چال‌ها روانه کردند. هزارها ربه تبعید و گریز از وطن واداشند. گروه گروه از

رادیو محلی نهضت و استگتن

رادیو ایران - رادیو محلی
نهضت مقاومت ملی ایران شاخه
واستگتن - برجنا - مریبان
یکشنبه‌ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱
با مداروی موج متوسط ۱۴۵ -
رادیو W.O.I.

بن بست توافقی

بقیه از صفحه ۱

در این میان موافقتنامه دیگری با راف شده است تا مقدمات برای امضاء نهائی آن فراهم آید. در حالی که رژیم تهران، با بخشی از این رژیم، سرگرم تسکین مقدمات برای امضاء آن است، نهادی به نام "دفتر تحکیم وحدت" انجمن های اسلامی دانشجویان، ندا برداشته است که بستان هر قدر را دی با دولت فرانسه خیانت به مصالح انقلاب و امت اسلامی است.

در چنین حالتی، دولت اسلامی برای آن که حتی الامکان خود را از تعرض های بعدی مخالفان مصون بدارد، می خواهد موافقتنامه را نخست به تصویب مجلس اسلامی برساند و آنگاه دست به امضاء نهائی آن بزند. ولی این تازه اول کار خواهد بود. زیرا جناحی که نمی خواهد میان تهران و پاریس توافقی بعمل آید، در مجلس شورای اسلامی دارای تقریبا صد نماینده است، و این ها مسلما "بیکار نخواهند نشست".

و هنگامی که لایحه مربوط به مجلس رفت، بعید می نماید شود آن را مانع قرار دادند یا لایحه متعده که به "قصر ارداد الجزایر" معروف شده است، بدون مباحثه ای طولانی از تصویب گذرانند. بلکه جزو جزو آن مورد بحث قرار خواهد گرفت و مخالفان برای معطل کردن آن امکانات بسیاری خواهند داشت.

فرانسه خیال می کند که اگر او را رودیف را به جمهوری اسلامی باز ببرد و از مخالفان رژیم تهران را نیز به میزانی درخور توجه محدود کند، گروهک های خود را از لبنان خلاص خواهد کرد و مراکز سیاسی شهر پاریس را از حمله ها و انفجارهای تروریستی مصون خواهد داشت. ولی این خیال خامی است. جمهوری اسلامی اگر چه از دست آوردن یک میلیارد دلار و نیم و محدود شدن مخالفان در فرانسه خشنود و خواهد بود، لیکن هدف

اصلی گروهک های گریزی و بمب گذاری های آن، مانند حمله به نیروهای فرانسوی سا زمان ملل متحد در لبنان، این است که فرانسه را از فروش اسلحه به عراق بازدارد.

ولی تعهدات متقابل پاریس - بغداد، چه از حیث مالی و چه از حیث سیاسی، مهمتر از آن است که فرانسه بتواند بدهی این خواست جمهوری اسلامی را بپردازد. محسن رفیق دوست هم این را در یاد گرفته بود که گفت: حال که فرانسه نمی تواند از حمایت عراق دست بردارد، پس به جمهوری اسلامی نیز آن قدر اسلحه بفروشد که توازن برقرار گردد.

اما دست فرانسه برای انجام معاملات گسترده با جمهوری اسلامی به هیچ وجه باز نیست. افکار عمومی فرانسه، که در برخی مطبوعات این کشور نیز با زحماتی تا بسط می برسد: آیا با بدهی دولتی که در فروشگاه ها و فرودگاه ها و ایستگاه های راه آهن ما میباید می گذارد و شهروندان بی گناه ما را بی رحمانه می کشند، تا زشت هم بدهیم؟ آیا با بدهی دولتی که آشکارا از تروریسم حمایت می کنند قرار دادهای کلان ببندیم و گواهی عدم سوء پیشینه و حتی تقدیرنامه ای نیز همراه آن قرار داد سازیم؟

منظور فرانسه از گشایش دوباره به سبب مذاکرات با جمهوری اسلامی، فرونشاندن موج تروریسم در این کشور و رهایی گروهک های این در لبنان است. وقتی این منظور را مین شود، پاریس در کنار نزدیک لبنان و جنگ خلیج فارس البته دست بازتری پیدا خواهد کرد. ولی وقتی آن وقت جمهوری اسلامی در مقابل فرانسه وسیله فشاری نخواهد داشت. بن بست راه توافقی تهران و پاریس در همین جاست و به این آسانی ها گشوده نخواهد شد.

اردوگاه تروریست ها

روزنامه "تا میزجا بلندن"، به نقل از نهضت مفاومت ملی ایران نوشت:

جمهوری اسلامی حداقل سه اردوگاه آموزش تروریست های انتحاری در ایران ایجاد کرده است.

تا میزمی نویسد: نهضت مفاومت ملی ایران به رهبری شاپور بختیار روز ۲۲ اکتبر طی بیانیه ای که در لندن منتشر کرد اعلام داشت یکی از این اردوگاه های آموزش تروریست در تهران و دو اردوگاه دیگر در کرمانشاه قرار دارند. اردوگاه آموزش تروریسم تهران، در یک قسمت کا ملا" سری زندان اوین قرار دارد و دو اردوگاه دیگر در "جنا نرگس" و "سراب نیلوفر" قرار دارند و می توانند تا سه هزار نفر را در خود جای دهند.

تا میز - ۲۴ اکتبر

بقیه از صفحه ۹

مراسم مهرگان

طبق اعلام قبلی واحدهای مسیورگ، مراسم مهرگان در این شهر در ساعت ۶ بعد از ظهر روز جمعه دهم اکتبر با حضور بیش از سیصد تن از ایرانیان در یکی از سالن های شهر پاریس برگزار شد.

مراسم با بخش سرود ای ایران آغاز و با آدا خیر مقدم توسط یکی از اعضای نهضت مفاومت ملی ایران ادامه یافت. آنگاه شعری از شهرآب سپهری با عنوان: "قایمی بایده ساخت" توسط یکی از بانوان هوا دار دکلمه گردید. سپس سخنی چند در باره تاریخچه مهرگان و علل لزوم برپایی این گونه مراسم در شرایط کنونی توسط یکی از اعضا ایراد گردید و بعد از آن شعری میهنی با نام "تبعیدی" توسط یکی از بانوان نهضت دکلمه شد. و آنگاه تشا تری با نام مدرسه موش ها (به طریق طنز سیاسی) که از طرف یکی از اعضای نوشته شده بود توسط جوانان نهضت به روی صحنه آمد و متعاقب آن یکی از هنرمندان با آواز ویلن چند ترانه اصیل ایرانی اجرا نمود. سپس نما یشتا مه کوتا هی با نام مباحثه مطبوعاتی مخابراتی ملبی بوی با آیت الله کیلانی اجرا گردید. و در خاتمه مراسم با سرود ای ایران پایان یافت.

سال ۱۳۳۰	۲۷۲۲	میلیون ریال
سال ۱۳۳۱	۴۴۴۱	"
سال ۱۳۳۲	۷۴۰۴	"
سال ۱۳۳۳	۸۵۷۰	"

مصدق
نهضت ملی ایران
در کاشکین چپ و راست

و مع اقتصادی در دوره ای خرابی است

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -
شش ماه ۱۲۰ فرانك فرانسه -
دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)
نام خانوادگی : Nom
نام : Prenom
آدرس : Adresse:
شماره حساب پستی : QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS
شماره حساب بانکی : QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارد تقاضای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها را که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

آزادی يك گروهگان

رونا لدریگان، رئیس جمهوری آمریکا، روزیکشنبه ۲ نوامبر از طریق سخنگوی خود، آقای لاری اسپیکس، خبر آزادی دیوید جاکوبسن، یکی از گروهگان های آمریکا، بیروت را رسماً تأیید کرد.

ریگان، ضمن ابراز خرسندی از آزادی جاکوبسن، مکرراً تأکید کرد که دولت آمریکا از اصل عدم تسلیم در برابر آدمربا یا ن عدول نکرده، ولی اضافه کرد که شخصیت ها و واسطه های مختلفی در آزادی نام برده نقش داشته اند. ریگان بدون آنکه این واسطه ها را معرفی کند از آن ها سپاسگزاری کرد. شننا شخصیتی که علناً از او نام برده شد، کشیش "تیری ویت" نما بنده اسقف اعظم انگلستان است که در ماجرای آزادی گروهگان های سفارت آمریکا در تهران نیز میانجیگری کرده بود.

از سوی دیگر، رئیس دفتر ریگان، آقای دونالد ریگان، در یک مصاحبه مطبوعاتی جداگانه اظهار داشت که نقش دولت سوریه در آزادی دیوید جاکوبسن، بسیار ناچیز بوده است.

لازم به یاد آوریست که هنوز شش گروهگان آمریکا، در بیروت اسیر جها د اسلامی هستند و یک گروهگان هفتم نیز وجود دارد که تروریست ها اعلام کرده اند که مرده است.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست، رژیم جمهوری اسلامی در ماجرای آزادی دیوید جاکوبسن، نقش درخور ملاحظه ای داشته است

نشانی پستی شاخه های

- نهضت مقاومت ملی ایران
در کشورهای مختلف دنیا
- آلمان فدرال
Postfach 121007
8000 MÜNCHEN 12
W. Germany
 - اتریش
N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA
 - آمریکا
PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A
 - انگلستان
N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND
 - سوئد
PO BOX 130
H600 TULLINGE
SWEDEN
 - هند
TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA
 - هلند
NEHZAT
P.B. 246
J230 AE BRIELLE
HOLLAND
 - اسپانیا
A CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN
 - کانادا
NAMIR
PB-1002
STN. B.WILLODALE ONT
M2K, 2T6 CANADA
 - ایتالیا
A.R CASELLA
POSTALE 601
00187 ROMA
ITALIA
 - زوریخ
P. O. Box 153
8043 Zurich
 - واحد شهرکلن
M.R.N.I.
Postfach 100383
5000 KÖLN 1

اسلام در خطر

بقیه از صفحه ۸

بچرخد که خوا هدرخیزد. بعید نیست که فردا تمامی مشکلات و مسائل شخصی میرحسین موسوی نیز به حساب مشکلات و مسائل اسلام گذاشته شود. اگر مثلاً "زنش را طلاق داد و روزنامه ها نوشتند موسوی در این جدائی گناهکار بوده است، به اسلام صدمه زده اند. اگر میرحسین موسوی خنای گرفت، اسلام خنای گرفته است، به این تعبیر فلج شدن دست راست خا منه ای فلج شدن دست راست اسلام است. سرطان پروستات " آقا " که جای خود دارد.

آیت الله ها " همه را ز دشمنان اسلام می ترسانند. ولی با داشتن چنین دوستان و مدافعانی، اسلام چه نیازی به دشمن دارد؟

